

۱۵۴۴۷۰

موسیقی قلم

مولف:

سماجمشیدی

www.ketab.ir



۱۳۹۶

سرشناسه: جمشیدی، سیما، ۱۳۵۶ -

عنوان و نام پدیدآور: موسیقی قلم / مولف سیما جمشیدی -

مشخصات نشر: تهران: اندیشه دانش، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ۵۹ ص

شابک: ۴ - ۴ - ۹۸۰۰۵ - ۶۰۰ - ۹۷۸ قیمت: ۹۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: قطعه های فارسی - قرن ۱۴

موضوع:

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ م ۹ م ۵ م / PIR۸۳۳۹

رده بندی دیویی: ۸۱۵/۶۲

شماره کتابشناختی: ۴۸۱۶۸۰۶



عنوان: موسیقی قلم

مولف: سیما جمشیدی

ناشر: اندیشه دانش

صفحه آرا: انتشارات اندیشه دانش

طرح جلد: ندا جوراب چر

چاپخانه: پارت

سال نشر: ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه شابک: ۴ - ۴ - ۹۸۰۰۵ - ۶۰۰ -

قیمت: ۹۰۰۰۰ تومان

حق چاپ و نشر برای انتشارات اندیشه دانش محفوظ می باشد، هر گونه تکثیر و کپی غیر مجاز، پیگرد قانونی دارد.

تهران: میدان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - بعد از تقاطع وحید نظری - ساختمان فروردین - پلاک ۲۸۶، طبقه دوم - واحد ۷ تلفن مرکز پخش: ۰۹۳۰۶۷۶۲۹۵۳-۵۵۰۳۲۲۰۸

فهرست مطالب

۶	مقدمه
۹	خدایا
۱۲	روشن همچون ماه
۱۲	در نا امیدی
۱۳	عاشقان کجایی
۱۶	استخاره‌های عاشقی
۱۹	برای مادرم
۲۳	کمپوت
۲۴	خسیس باش
۲۵	نوشتن
۲۶	خوب گوش کن
۲۷	با تو
۲۸	نوبرانه‌ها
۲۹	بلال دوست داشتنی من
۳۳	دوست ندارم
۳۴	گدوک زیبا و مه آلود
۳۵	راز شب
۳۷	خیام جان
۳۹	زندگی

- دوست داشتم کمال الملک باشم..... ۴۲
- سهراب عزیز چه فکر می کرده..... ۴۴
- سهراب سپهری عزیز گفته بودی..... ۴۶
- انتظار..... ۵۰
- اولین روز کار..... ۵۱
- به یادش ن هستم..... ۵۴
- بی ادب ها چون صنوبر..... ۵۶

www.ketab.ir

مقدمه

بعد از مدت‌ها ترس رو کنار گذاشتم تا نوشته هایم را به کتاب تبدیل کنم. سر رسید های سال‌های دور رو آوردم و شروع به تایپ کردم. دلم نیامد مانند شهید مرتضی آوینی دو ست شش تنی نوشته هایم را بسوزانم... گر چه که او کجا و من کجا. به یقین برای خودش برهان قابل قبولی داشت (نام و یادش جاودان). کتاب پیش رو باورهای انسانی است که زندگی را با تمام پیچیدگی‌هایش پذیرفته و از کوچکترین نعمت‌های خدا تا بزرگترینش که سلامتی است لذت می‌برد و توصیه‌اش به همه هم این است. گرچه که گاهی از کوره در می‌روم اما مهربانی را هرگز در هیچ جا و تحت هیچ شرایطی فراموش نمی‌کنم و دست از سر به یانی بر نمی‌دارم و تازه دست نوازش بر سرش می‌کشم تا همیشه هوایم را داشته باشد. مهربانی‌ام بیشتر معنوی است. یاد می‌کنم کسانی که از یادشان رفته‌ام. حتی برای کسانی که کزدم گشته‌اند دعا می‌کنم. با توجه به شرایط دنیای امروز و پیشرفت و گوناگونی و همچنین فراوانی ابزارهای ارتباطی، تمام خانواده‌ها از تکراری بودن روزها و دچار روزمرگی شدن، شکایت دارند. کما اینکه علاقه و وابستگی بیش از حد و صرف کردن زمان زیاد در شبکه‌ها و فضای مجازی حتی در محل کار و تا پاسی از شب، تمایل بیش از حد فرزندان را نیز به دنبال داشته است و در پی آن سردی بین افراد خانواده و فرار از هم و به خلوت خود پناه بردن را حکایت می‌کند. به طوری که افراد حوصله‌ی جمع را ندارند و بیشترین

زمان خود را به تنهایی و به نوعی به یک سر در گمی جذاب و طولانی اختصاص می‌دهند و به ظاهر از آن لذت می‌برند. گرچه که گاهی گریزی از آن نیست، اما مدیریت زمان و برنامه‌ریزی راه‌گشا خواهد بود. در سال‌های اخیر پناه بردن به این وسایل با فن‌آوری‌های جدید و سرگرم‌کننده بیش‌ترین زمان خانواده را به خود اختصاص می‌دهد. اما اگر به تفکر کردن عادت کنیم و به داشته‌های کوچک‌مان که از نگاه دیگران بزرگ است بیاندیشیم قدرشان را بیشتر می‌دانیم. چند سالی است که انتظارآتما از هم زیاد شده و متوقع شده‌ایم و قدرشناسی و سپاس از هم را فراموش کرده‌ایم. تشکر کردن و ساکر بودن سهم زیادی از شادی را به دنبال دارد. به یاد بیاوریم وقتی یک جای خالی را تر با وسایل دیگر برایمان وجود دارد یا پولمان برای خرید یک ساندویچ یا حتی خرید یک ای کوچک آب کفاف می‌دهد، یا خرید یک نان، چقدر در حال خوبمان می‌تواند موثر باشد تا زمانی که حتی کرایه برای رسیدن به خانه یا مقصد مورد نظر را نداشتیم. بارها از خیلی افراد سرشناس و هنرمند شنیده‌ایم که برای رفتن به سینما و تأثیر مسیر رفت و برگشت را پناه می‌رفتند تا پولشان به بلیت برسد. من معتقد هستم در هر شرایطی باید شکرگزار و شاکر و قدرشناس بود. و اعتقاد قلبی‌ام قناعت و ساده زیستی است. قانع بودن و مقایسه نکردن کید و نقیت و راز سلامتی و از همه مهم‌تر آرامش است. حضرت حافظ نیز در این باره می‌فرماید:

چو حافظ در قناعت کوش و از دنیای دون بگذر که یک جو منت دونان دو صد من زر نمی‌ارزد

دغدغه‌ی اصلی این روزهای من، شکرگزاری و قانع بودن، قدرشناسی و مهربانی است. خودم شکر گزار و مهربان و اهل قناعت و قدردان هستم، اما ظرافت نعت‌ها را نمی‌دیدم و یا نمی‌فهمیدم. ظرافت در نعمت‌ها در بزرگی آن‌ها نیست در کوچکی‌شان

است. مانند مزه کردن طعم‌ها یا پلک زدن و چشم گشودن بعد از هر خفتنی. خواه چرت کوتاهی در بعد از ظهر یا خواب طولانی شبانه. از جویدن لقمه تا خندیدن شاعرانه. از زیارت ضامن آهو که به زعم افرادی حج فقر است، تا طواف کعبه و خانه‌ی خدا که همه را باید شکرگزار بود. این جاست که این جمله‌ی معروف به ذهن می‌رسد که: «در هر نفسی که می‌کشی دو نعمت است، یکی ممد حیات و یکی مفرح ذات که شکرش واجب است و مزید علت». حاصل این سپاس‌ها و یادآوری‌ها کتابی شد که ملاحظه می‌فرمایید.

از استاد بسیار پیرانم به سبب پیگیری‌ها و تشویق‌هایشان که اگر نبود گوش زده‌ها و راهنمایی‌ها و تسری‌هایشان باز هم دل نوشته‌ها در قفسه‌ی کتابخانه‌ی کوچکم جای می‌گرفت.

ما شکر
سید ابوالفضل